

تأملی در تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تأثیر آن بر هویت شهر

پیمان نصیری نیا^۱، عیسی حجت^۲

^۱ کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۲۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۲۲)

چکیده

شهرهای تاریخی، دربردارنده ساختاری هستند که در گذار زمان و براساس ویژگی‌های هویتی شکل گرفته و در قالب عناصر و روابط تاریخی تجلی یافته‌اند؛ از این رو نمی‌توان نسبت به کیفیات مداخلاتی که در آنها شکل می‌گیرد، بی‌اعتنا بود. تبریز از شهرهای مهم تاریخی ایران است که هویت ساختاری آن در طول تاریخ، به واسطه مداخلات صورت گرفته در عرصه‌های تاریخی‌اش متحول شده است. نوشتار حاضر با هدف شناخت تغییرات پدید آمده در هویت ساختاری تبریز، به سبب مداخلات معاصر، به تحلیل جایگاه سه عرصه تاریخی شهر و مقایسه آنها با نمونه‌های جهانی پرداخته تا از این طریق بتوان شناختی از تأثیرات مداخلات شهری، بر هویت تاریخی آن به دست آورد. از این رو با راهبرد تفسیری و کیفی، اسناد و نقشه‌های تاریخی شهر مطالعه و با تحلیل‌های میدانی شرایط معاصر آنها بررسی شده‌اند. ف در نهایت، تحلیل‌ها روشن می‌سازد که تحولات ساختاری معاصر تبریز، عرصه‌های تاریخی آن را مخدوش و سبب جدایی آنها از جریان زندگی شهر شده است. هم‌چنین بر اساس قیاس‌های تطبیقی، می‌بایست با تقویت جایگاه عرصه‌های تاریخی، موجبات پویایی آنها در شریان حیات شهری مهیا شود تا توانایی حضور شایسته در ساختار معاصر شهر را به دست آورند؛ چرا که این عناصر، شکل دهنده هویت تاریخی شهرند که از میان رفتن آنها در واقع از میان رفتن بخشی از هویت تاریخی شهر است.

واژه‌های کلیدی

شهر تبریز، هویت شهر، تحولات ساختاری، مداخلات شهری، تحولات معاصر.

مقدمه

لیکن جایگاه خود در زنجیره حیات شهر را حفظ کرده و از عناصر شاخص آن محسوب می‌شده‌اند؛ تا اینکه در دوران معاصر به دلیل تحولات شهری، ساختار عملکردی خود را از دست داده و به عناصری منفرد و بعضاً بیگانه در بافت خود بدل شده و در نتیجه این امور نیز هویت معنایی خود در شهر را از دست داده‌اند. از این میان سه مجموعه صاحب‌الامر، ارک علیشاه و باغ شمال، از سویی به سبب ارتباطی که با بستر و فضای پیرامونی خود داشتند و در قالب یک فضای جمعی در ساختار شهر ایفای نقش می‌کردند، و از سویی دیگر با توجه به اینکه در دوران معاصر دستخوش بیشترین تحولات ساختاری بوده‌اند، به عنوان نمونه‌های مورد پژوهش انتخاب شده‌اند. در اینجا لازم به ذکر است که انتخاب سه نمونه از این آثار به دلیل محدودیت در ارائه مطالب بوده و این پژوهش می‌توانست دامنه وسیع‌تری را دربرگرفته و آثاری نظیر مسجد کبود و... را نیز شامل شود و تاثیرات سایر مؤلفه‌های مذکور را نیز مورد پژوهش قرار دهد؛ لیکن ارائه بحث‌های بیشتر در مجال این نوشتار نبوده و فرصتی دیگر را می‌طلبد که عرصه‌ای برای پژوهش‌های بیشتر است.

در ادامه نوشتار، در راستای حصول راهبردی جامع در ارتباط با نحوه برخورد با چنین مجموعه‌هایی و هم‌چنین بیان وضعیت مطلوب‌تری که می‌توانستند در زنجیره حیات شهری داشته باشند، مقایسه‌ای تطبیقی با برخی نمونه‌های مشابه شناخته‌شده بین‌المللی انجام گرفته است. انتخاب نمونه‌های تطبیقی بدین نحو بوده که ابتدا از میان جامعه مورد قیاس، که دارای ویژگی‌های مشخصی هستند، سه گزینه که دارای بیشترین زمینه‌های تطبیق بوده‌اند، تمیز داده شده و از این میان نیز گزینه‌ای که به لحاظ مفهومی، عملکردی و ساختاری بیشترین تشابه را با اثر مورد پژوهش داشته، انتخاب شده است. در نهایت براساس ویژگی‌های جامعه مورد قیاس که عبارتند از: داشتن قدمتی در حدود آثار مورد پژوهش در تبریز، داشتن ویژگی‌های مشابه مفهومی، عملکردی و ساختاری (نمودی از فضای شهری، مذهبی و حکومتی باشند)، مطرح بودن به عنوان عنصری شاخص در ساختار شهر کهن، برخوردار بودن از جایگاهی فعال و پویا در جریان معاصر زندگی شهری؛ سه مجموعه میدان سن مارکو، میدان دومو و باغ تیلری به عنوان نمونه‌های مورد قیاس برگزیده شدند.

بخشی از حیات و سرزندگی هر شهری، نشأت گرفته از کیفیت حضور و رونق در فضاهای آن است. این فضاها که بستری برای حضور مردم هستند، زمینه‌ساز وقوع فعالیت‌های گوناگونی‌اند که خود نیز می‌توانند در بردارنده ویژگی‌های خاص فرهنگی، تاریخی و هویتی باشند. این خصوصیات به ویژه در فضاها و عناصر تاریخی شهرها، نمود شاخص‌تری دارند؛ چرا که ریشه در گذشته و هویت شهر و مردمان آن دارند و در طول تاریخ تحت تاثیر مؤلفه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفته و بستری ارزشمند را در زنجیره حیات شهری به وجود آورده‌اند.

امروزه برخی از فضاهای تاریخی شهرهای ایران، تحت تاثیر مداخلات گوناگون، جایگاه شایسته خود در ساختار شهر را از دست داده و در جریان حیات شهری دچار افول شده‌اند. تبریز نیز از جمله شهرهایی است که دچار این مسئله بوده و غالب عناصر، فضاها و بافت‌های تاریخی ارزشمند آن، منزلت خود را در ساختار شهر و جریان زندگی مردم از دست داده و به مجموعه‌هایی منفرد و کم‌رونق بدل گشته‌اند که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته و جایگاه معنایی تاریخ‌ساز خود را از دست داده‌اند. این افول و تجرد در نتیجه مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و مداخلات در برهه‌های مختلف تاریخی حاصل شده که هر یک از این مسایل، نیازمند پژوهش و واکاوی شایسته‌ای می‌باشد، لیکن در پژوهش حاضر به سبب محدودیت در ارائه مطالب، تنها عوامل متأثر از تحولات ساختاری شهر تبریز در دوران معاصر (از آغاز پهلوی تا به اکنون) بر روی برخی از عناصر و فضاهای تاریخی شهر که در این دوران در معرض تحولات ساختاری اساسی بوده‌اند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

هدف این پژوهش، تنها بررسی و تحلیل تغییرات و تاثیرات حادث شده در نتیجه مداخلات کالبدی صورت گرفته در عرصه این مجموعه‌ها، فارغ از بررسی مستقیم تاثیر مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ لذا در راستای نیل به این منظور و بررسی گستره تحولات ساختار تاریخی شهر تبریز در دوران معاصر و تاثیراتی که این تحولات بر هویت تاریخی شهر داشته‌اند، مجموعه‌ای از عناصر و فضاهایی که دارای ویژگی‌های مشخصی هستند، در قالب جامعه هدف تعیین شده‌اند. این آثار از قدمت بالای تاریخی (بیش از ۵۰۰ سال) برخوردار بوده و با اینکه در برهه‌های مختلف زمانی شاهد تغییرات گوناگون بوده‌اند،

ضرورت تحقیق

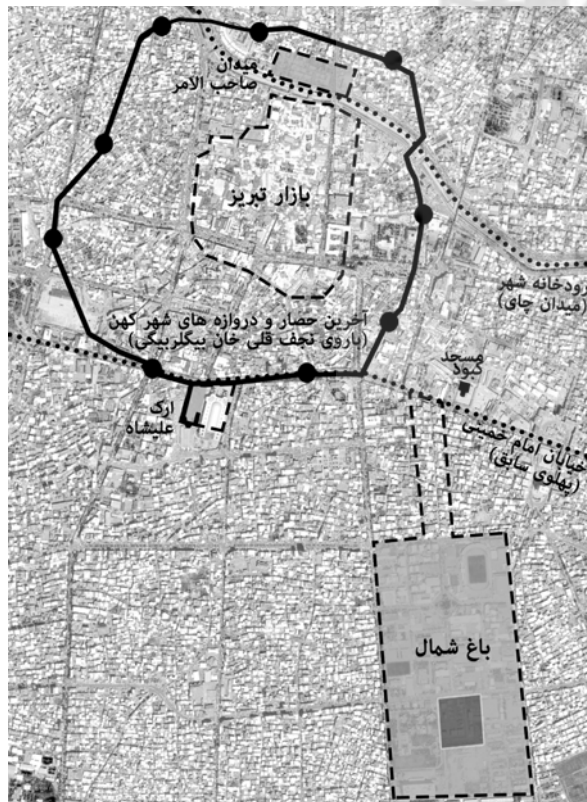
برخی از این آثار نیز از میان رفته‌اند؛ روابط ساختاری معدود آثار باقیمانده نیز دچار گسست شده و به عناصری مجرد در ساختار در هم پیچیده شهر بدل شده‌اند. بدین ترتیب تبریز، به شهری در تکاپوی مدرن شدن بدل گشته که با از دست دادن عناصر و روابط تاریخی شکل‌دهنده آن، هویت تاریخی ساختاری خود را

مدرن سازی، ارتقای شهرنشینی، گسترش روابط شهر و بسیاری از مسایل شهری معاصر، ساختار شهر تبریز را که در بطن خود در بردارنده عناصر، بافت‌ها و روابط تاریخی گسترده‌ای است، به شدت تحت تاثیر قرار داده و دامنه این تحولات به نحوی بوده که روز به روز از رونق اغلب این مجموعه‌ها در شهر کاسته شده و

بافت تاریخی شهر تبریز هم که نماد و بازگوکننده هویت و میراث چند هزار ساله آن است، در دوران معاصر، از یک سو با پیدایش نیازها و عملکردهای جدید و از سوی دیگر با پیدایش تمنایی برای نوسازی و از میان برداشتن بافت‌های قدیمی، نه تنها کارکرد و منزلت ساختارهای تاریخی آن دچار دگرگونی‌های اساسی شده، بلکه بخش‌هایی از آن نیز به کلی تخریب و از میان رفته‌اند. حال آنکه در عصر حاضر، با توجه به تحول جوامع و از میان رفتن تدریجی ارزش‌ها و پیدایش بحران‌های هویتی، بیش از هر زمان دیگری نیاز به توجه به مسایل هویتی احساس می‌شود. از این رو رویکرد کلی در برخورد با ساختارهای تاریخی می‌بایست در راستای حفاظت کالبدی و معنایی آنها صورت پذیرد؛ در غیر این صورت مداخلات انجام گرفته سبب تغییر و دگرگونی ساختار و بنیان‌های تاریخی شهر خواهد شد که از میان رفتن آنها در واقع از میان رفتن بخشی از هویت تاریخی شهر و مردمان آن است.

۲- بازیابی تأثیر مداخلات شهری بر هویت تاریخی آن

در راستای شناخت بخشی از تغییرات هویتی پدیدارگشته در ساختار شهر تبریز و تأثیرات ناشی از آنها، سه حوزه مهم تاریخی شهر شامل میدان صاحب‌الامر، ارک علیشاه و باغ شمال مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. در ابتدا با ارائه شرح مختصری از تاریخچه شکل‌گیری این آثار، تحولات صورت گرفته



تصویر ۱- جایگاه عناصر و باروی شهر کهن در ساختار معاصر تبریز. بازنگاری براساس نقشه تره‌زل - فابویه و نقشه‌های حومه و استحکامات شهر تبریز (فخاری تهرانی و همکاران، ۱۷۰۱۳۸۵)، و نقشه بافت و حصار تاریخی تبریز (نقش جهان پارس، ۱۳۷۴)

از دست داده و دچار نوعی اغتشاش و تناقض گشته است. در مقابل این امر، در سوی دیگر جهان و در اغلب شهرهای اروپایی که تاریخی چنین کهن داشته و دارای مجموعه‌های با کلیت مشابه‌اند، در عین مدرن‌سازی شهرها و ارتقای شرایط زیستی و برطرف کردن نیازهای جدید شهروندان، عناصر و مجموعه‌های تاریخی شهر در بستر روابط تاریخی آن، هر روزه از رونق بیشتری برخوردار بوده و نقش پررنگی در جریان شهر و زندگی مردم دارند. بر این اساس و با توجه به درجه بالای اهمیت حفظ فرهنگ و هویت تاریخی شهرهای کشور، ضرورت یافت تا پژوهش و مقایسه‌ای در این عرصه صورت پذیرد تا برخی از دلایل افول و رونق این مجموعه‌ها در جریان زندگی شهر، تبیین شوند.

در ارتباط با پژوهش‌های پیشین در این حوزه می‌توان به تحقیقات صورت گرفته در میدان صاحب‌آباد توسط حناچی، ابراهیمی و بانی مسعود؛ ارک علیشاه توسط منصور، آجرلو و نعمتی بابایلو؛ باغ شمال توسط بانی مسعود اشاره کرد که رویکرد غالب آنها شناخت جایگاه و کارکرد این عناصر در شهر کهن بوده؛ اما حوزه مرتبط با شناخت جایگاه این عناصر در ساختار شهر و نقشی که در شکل‌دهی هویت آن داشته‌اند، در کنار بررسی تبعات ناشی از تحولات ساختاری این عرصه‌ها در دوران معاصر، نیازمند پژوهش بیشتر است.

روش تحقیق

در راستای پیش‌برد اهداف مقاله حاضر، از راهبرد «تحقیق تفسیری» به عنوان استراتژی اصلی تحقیق بهره گرفته شده است که بیشتر جنبه «توصیفی-تحلیلی» دارد. در این راهبرد، برای شناسایی جایگاه عناصر تاریخی در ساختار کهن شهر، به مطالعه و تحلیل اسناد و منابع نوشتاری تاریخی از جمله گزارشات سیاحان و تاریخ‌نگاران مختلف پرداخته شده و در این راستا از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. هم‌چنین در راستای شناخت جایگاه معاصر این عرصه‌ها در ساختار شهر، از راهبرد «تحقیق کیفی» استفاده شده و به صورت پژوهش میدانی و انجام تحلیل‌های محیطی و کسب نظر از آگاهان و معتمدین در این حوزه، در تحلیل وضعیت حاضر این مجموعه‌ها اقدام شده است. از سوی دیگر، مطالعات و تحلیل‌های انجام گرفته بر روی آثار و نمونه‌های بین‌المللی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بوده است و از بررسی‌های حاصله در زمینه‌های تطبیق بهره گرفته شده است.

۱- نمود هویت شهر در پیکره ساختار تاریخی آن

بافت‌های تاریخی هر شهری، نمودی از پیشینه، قدمت و نوع زندگی مردمان آن در گذار زمان هستند که حفظ این میراث کهن، در واقع ارزش فائق شدن به تمدن دیرینه‌ای است که در آن سرزمین هویدا گشته و بنیان زندگی را در آن بنا نهاده است، و جاری نگاه داشتن حیات در آنها، سبب حفظ هویت شهر و استمرار آن در گذار زمان خواهد بود.

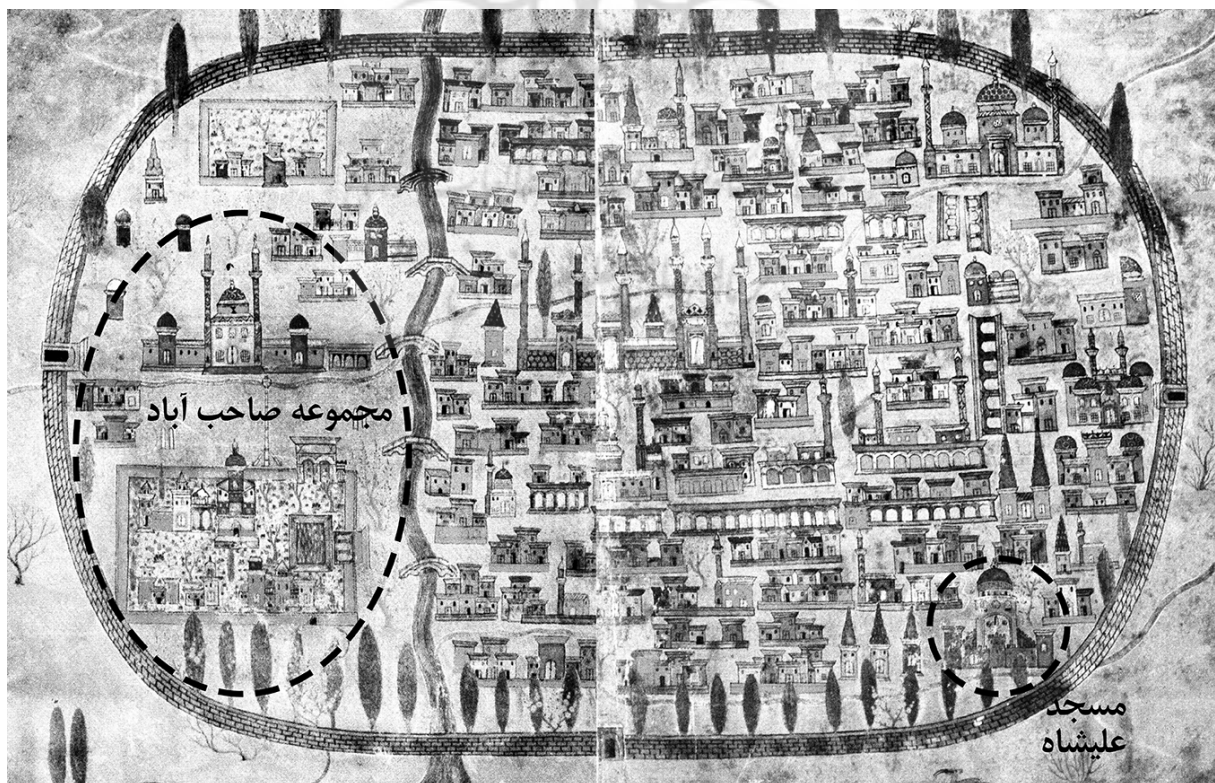
بود که در نوع خود سندی مهم در شکل‌گیری اولین نمونه‌های میادین و مراکز شهری در ایران به شمار می‌رفت؛ حال آن‌که جایگاه این مجموعه در ساختار شهر، با گذشت زمان و بروز حوادث مختلف، دچار تحولات بنیادین گشته و در دوران معاصر نیز عملکرد و مفهوم خود به عنوان میدان را به کلی از دست داده است. مجموعه صاحب‌آباد در عهد ایلخانان و در زمان آباقاخان به عنوان عمارت و باغ شاهی در شمال رودخانه شهر شکل گرفت^۱. در دوره قره‌قویونلوها نیز این مجموعه به عنوان دولت‌خانه و عمارت شاهی برگزیده شده و کارکردی حکومتی داشت. توجه حسن پادشاه (اوزون حسن) به امور نظامی باعث می‌شود که وی میدان وسیعی در مقابل باغ صاحب‌آباد برای سان دیدن از لشکریان خود به وجود آورد که به نوبه خود از اولین نمونه‌های میادین نظامی در ایران به شمار می‌رود^۲. در این دوره همچنین بناها و کارکردهای دیگری نظیر عمارت نصریه، قیصریه، مسجد حسن پادشاه، دارالمساکین و هشت بهشت در مجموعه باغ و میدان احداث می‌گردند (ابن کربلایی، ۱۳۸۳، ۴۷۰). در این برهه ساختار مجموعه روندی تکاملی طی کرده و علاوه بر کارکرد سیاسی (حکومتی و نظامی)، عملکردهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نیز در آن پدید آمده و در تعامل بیشتر با مردم شهر از عرصه‌ای خاص به عرصه‌ای عام بدل می‌گردد. در زمان شاه اسماعیل صفوی، این میدان اولین جایگاه رسمی بازی چوگان بوده (سفرنامه ونیزیان، ۱۳۴۹، ۴۲۲) و به سبب جایگاهی که در محور اصلی شهر و جاده ابریشم داشت، از رونق و شهرتی دو چندان برخوردار بود.

در آنها دسته‌بندی شده؛ سپس برای درک چگونگی اثرگذاری مداخلات شهری در هویت ساختاری آن، قیاسی تحلیلی با برخی نمونه‌های برجسته بین‌المللی شامل میدان سن مارکوی ونیز، میدان دوموی میلان و باغ تیلری در بستر موزه لوور پاریس صورت می‌گیرد. در نهایت با استفاده از نتایج حاصل شده از این تحلیل‌ها، به بیان باید‌ها و نبایدهای مورد استفاده در عرصه‌ها و ساختارهای تاریخی پرداخته می‌شود تا شاید بتوان درکی اجمالی از اهمیت مداخلات شهری در حوزه آثار و ساختارهای تاریخی آن و اثری که بر هویت شهر دارند، به دست آورد.

۱-۲- بررسی مجموعه صاحب‌الامر در سیر تحولات ساختاری شهر مجموعه صاحب‌الامر تبریز، یکی از عرصه‌های فعال چندعملکردی شهر و ارزشمندترین عناصر ساختار هویتی آن



تصویر ۲- میدان صاحب‌الامر در دوره قاجار. ماخذ: (موزه کاخ گلستان)

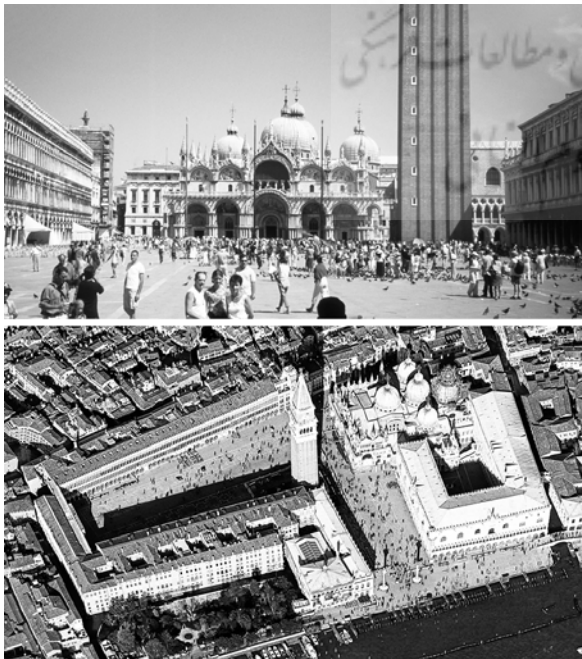


تصویر ۳- موقعیت مجموعه صاحب‌آباد و مسجد جامع علی‌شاه در ساختار شهر تبریز در عهد صفوی براساس نقشه مینیاتوری نصح مطراق چی. ماخذ: (نصح مطراق چی، ۱۳۷۹، ۱۴)

کرده و بدین ترتیب زنجیره‌ای از فعالیت‌ها از عرصه میدان حذف می‌گردد. به مرور زمان و با حذف فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی از عرصه میدان تنها فعالیت غالب آن، فعالیت اقتصادی می‌شود که در راسته‌های پیرامونی‌اش جاری بوده و به تدریج در عرصه میدان ترویج یافته و دکه‌ها و مجموعه‌های فروش موقت سراسر فضای میدان را دربر می‌گیرند؛ به نحوی که دیگر فضای باز و عرصه میدان قابل شناسایی و درک نیست. امروزه نیز این مجموعه به دلیل جدایی از زنجیره فعال شهری، جایگاه خود را در ساختار شهر از دست داده و به عرصه‌ای نازل بدل شده که برخی از فعالیت‌های اقتصادی کم‌رونق در آن جاری است.

۲-۱-۱- انتخاب نمونه مورد قیاس

برطبق آنچه بیان گردید ساختار مجموعه صاحب‌الامر در نهایت در قالب میدانی مذهبی شکل گرفته و به عنوان یکی از نقاط مهم در شهر ایفای نقش می‌نمود. براین اساس در راستای قیاس تطبیقی این اثر، به لحاظ نقش پرننگی که می‌توانست در شهر تبریز داشته باشد، برخی از نمونه‌های شاخص بین‌المللی که در قالب میدان مذهبی (و تا حدودی حکومتی) نقش شاخصی در ساختار شهرشان دارند، مورد بررسی قرار گرفتند که غالب آنها عبارت است از میدان سن مارکو در ونیز^۴، میدان سن بروکسل^۵ و میدان شهر قدیمی در پراگ؛ که از این میان، میدان سن مارکو به دلایل ذیل به عنوان نمونه تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد: - هر دو مجموعه، متعلق به سده‌های میانی تاریخ سرزمین خود هستند (شروع شکل‌گیری صاحب‌الامرا از قرن هفتم هجری قمری - میدان سن مارکو از قرن پنجم هجری قمری). - هر دو مجموعه، قرن‌ها به عنوان میدان حکومتی اصلی شهر خود مطرح بوده‌اند.



تصویر ۵- میدان سن مارکو.

ماخذ: (Google Earth and Wikipedia, 2014)

نخستین آسیب‌های جدی این حوزه در زمان جنگ با عثمانی و زلزله‌های مهیب شهر تبریز به وجود آمد. در سال ۱۱۹۳ ه. ق. که بزرگ‌ترین و مهیب‌ترین زلزله تاریخ تبریز بود (ذکاء، ۱۳۵۹، ۹)، شهر به‌کلی ویران گشته و این مجموعه ارزشمند آسیب‌های جدی می‌بیند و یک سال پس از آن با احداث حصار و باروی نجف‌قلی خان بیگلربیگی^۲، ساختار کلی این مجموعه برای همیشه از میان می‌رود (ذکاء، ۱۳۶۸، ۱۱۵).

در این برهه براساس نظام و ساختار جدید شهر، میدان صاحب‌الامر با تغییراتی در ساختار و راستای شکل‌گیری، در جهت احیای هویت و کارکرد خود، در بخشی از فضای مجموعه قبلی شکل می‌گیرد. مجموعه اصلی فاقد جداره‌ای خاص بود و براساس جایگیری بناها و مجموعه‌های پیرامونی تعریف می‌شد و محور آن شمالی- جنوبی بود، ولی میدان جدید بعد از زلزله و در دوره قاجار در راستای شرقی- غربی و با ایجاد جداره‌های پیرامونی شکل گرفت. به جانب شرقی میدان و در محل مسجد شاه طهماسب، مسجد جدیدی به سال ۱۲۰۸ ه. ق. بنا گردید که به مسجد و بقعه صاحب‌الامر معروف شد. مدتی بعد و در صحن آن، مدرسه اکبری به سال ۱۲۶۶ ه. ق. (بعدها با عنوان صحن مقام صاحب‌الامر) احداث گردید که از جوانب میدان به راسته‌های بازار شهر متصل می‌شد (کارنگ، ۱۳۵۱، ۹۴). در این برهه میدان صاحب‌الامر براساس ساختار جدید و با رویکردی هویتی احیا شده و بار دیگر محل فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مردم شهر بود که کارکرد تاریخی آن در قالبی جدید احیا شده بود. آخرین مرحله از تحولات این حوزه در دوره پهلوی (۱۳۴۵ ه. ش.) با احداث خیابان دارایی از میانه صحن مسجد به وقوع می‌پیوندد که نقطه آغازین انحطاط ساختار و عملکرد میدان بود.

در نتیجه این امر کارکرد و جایگاه میدان صاحب‌الامر تحت تأثیر دو عامل اصلی، یعنی احداث خیابان و از میان رفتن فضای باز میدان، مخدوش می‌شود. احداث خیابان دارایی ارتباط میدان با عنصر شاخص آن، یعنی مسجد صاحب‌الامر را قطع کرده و بدین ترتیب مسجد که از عوامل اصلی حضور و تجمع مردم شهر بود، از میدان جدا می‌شود. از این رو مراجعه‌کنندگان به مسجد دیگر نه از طریق راسته‌ها و صحن میدان بلکه از طریق خیابان به آن مراجعه



تصویر ۴- مسجد صاحب‌الامر در حاشیه خیابان دارایی.

ماخذ: (آرشیو شخصی، ۱۳۹۳)

ساخته شد. بدین ترتیب ۸۰۰ سال طول می‌کشد تا میدان سن مارکوایی که امروزه مرکز اجتماعی، مذهبی و سیاسی شهر ونیزو نگین اروپا است، شکل گیرد (چپ من، ۱۳۸۶).

وجود میدان سن مارکو در شهری مثل ونیز، که هم با کمبود زمین و بستر شهرسازی مواجه بوده و هم از تراکم بسیار بالایی برخوردار است، نشانی از اهمیت وجود فضاهای باز عمومی در شهرها است. هرچند که سیر تحول جداره‌های میدان در دوره‌های مختلف بوده، اما معماری آنها به صورت یکپارچه و هم‌خوان با سبک کلیسا است. در بطن میدان نیز هیچ عملکردی که ساختار و یکپارچگی آن را برهم زند، وجود ندارد و عرصه آن نیز محل برگزاری انواع مراسم مذهبی، اجتماعی و فرهنگی است.

در بررسی این نمونه چند نکته حائز اهمیت می‌نماید؛ نخست توجه به استمرار سازندگی در قالب یکپارچه ساختار تاریخی میدان و دیگر نحوه تعامل آن با جریان‌های شهر. بررسی ارتباطات پیرامونی این میدان مشخص می‌سازد که مسیرها و دسترسی‌های منتهی به آن نه تنها ساختار تاریخی خود را حفظ کرده، بلکه به مرور نیز تقویت و سامان داده شده‌اند تا هرچه بهتر

در هر دو مجموعه، عملکرد شاخص‌ترین عنصر آنها مذهبی (مسجد و کلیسا) بوده است.
- هر دو مجموعه، به عنوان مهم‌ترین فضای چندعملکردی شهر خود مطرح بوده‌اند.

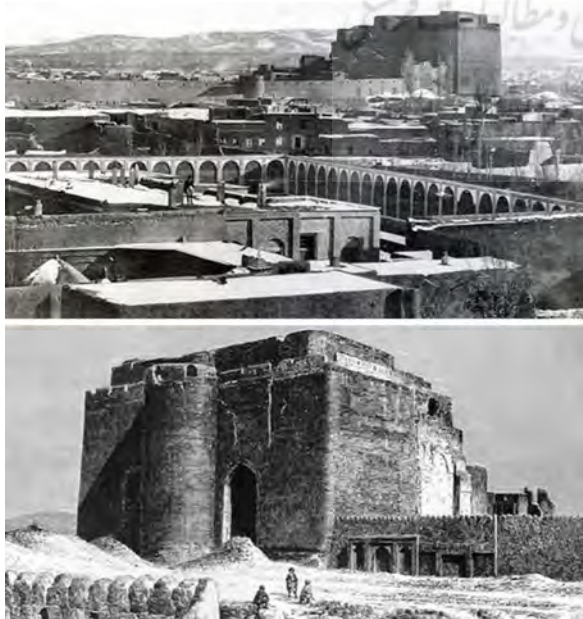
۲-۱-۲- میدان سن مارکو در شهر ونیز

سن مارکو، میدان اصلی شهر ونیز و از مهم‌ترین و زیباترین مراکز اروپا است که شروع شکل‌گیری آن به زمان ایجاد یک محوطه تجاری مغشوش در محوطه جلودست کلیسای سنت مارک^۷ در قرن یازدهم میلادی باز می‌گردد. با توجه به جایگاه و رونقی که این میدان در شهر ونیز به دست می‌آورد، مدتی بعد در قرن دوازدهم حکمران شهر قصر خود را در مجاورت کلیسا بنا می‌کند و به این ترتیب جانب شرقی میدان تکمیل می‌گردد. در قرن شانزدهم، کتابخانه قدیمی در عرض میدان ساخته شد که این روند مدتی بعد و با بازسازی و تکمیل جداره‌های شمالی و جنوبی میدان ادامه یافت. در نهایت در قرن نوزدهم جداره غربی میدان توسط ناپلئون^۸ بناپارت

جدول ۱- مقایسه تطبیقی میدان صاحب‌الامر تبریز با میدان سن مارکو ونیز.

عرصه‌های مورد مقایسه	روند شکل‌گیری عرصه تاریخی	ویژگی‌های عرصه تاریخی	مداخلات معاصر در عرصه تاریخی	جایگاه عرصه تاریخی در ساختار معاصر شهر
میدان صاحب‌الامر تبریز	- احداث باغ و کاخ حکومتی صاحب‌آباد (عصر ایلخانی) - ایجاد میدان در مقابل مجموعه صاحب‌آباد و احداث بناهای جدید (عصر آق‌قویونلوها) - احداث مسجد شاه طهماسب، کلیسا و توسعه بازار در حاشیه میدان (عصر صفویه) - تخریب میدان و مجموعه صاحب‌آباد در اثر جنگ و زلزله و احداث باروی شهر - احداث میدان صاحب‌الامر و مسجد آن، به همراه مدرسه و بناهای جدید و راسته‌های بازار (عصر قاجاریه)	• میدان و مجموعه صاحب‌آباد - مرکز حکومتی شهر - مرکز برگزاری مراسم و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی شهر - مهم‌ترین فضای باز و چندعملکردی شهر - میدان فاقد جداره مشخص و تعریف آن به وسیله بناهای پیرامونی • میدان صاحب‌الامر - مهم‌ترین میدان و فضای چندعملکردی شهر - مرکز برگزاری مراسم و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی - حضور مسجد به عنوان عنصر شاخص میدان - تعریف میدان به وسیله جداره‌های پیرامونی	- احداث خیابان دارایی در صحن مسجد صاحب‌الامر و قطع ارتباط مسجد با مدرسه و میدان - ایجاد و گسترش کاربری‌های موقت در فضای باز میدان - از میان رفتن ساختار جداره‌های میدان و تثبیت کاربری‌های موقت (که موجب از میان رفتن فضای باز و ساختار میدان می‌گردد)	- از هم پاشیدن ساختار و مجموعه میدان - جدا افتادن از زنجیره حیات معاصر شهر - از میان رفتن جایگاه و هویت تاریخی مجموعه - تبدیل شدن به یکی از بخش‌های نامناسب شهر
میدان سن مارکو ونیز	- احداث کلیسای سنت مارک با برج آن (قرن نهم میلادی) - ایجاد محوطه باز و میدان در جلودست کلیسا (قرن یازدهم میلادی) - احداث قصر حکومتی در کنار کلیسا (قرن دوازدهم میلادی) - احداث و تکمیل جداره‌های شمالی و جنوبی میدان (قرن شانزدهم میلادی) - احداث جداره غربی میدان و اتصال آن به قصر سلطنتی (قرن نوزدهم میلادی)	- مهم‌ترین و شاخص‌ترین میدان شهر - مرکز برگزاری مراسم و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی شهر - حضور کلیسا به عنوان عنصر شاخص میدان - تعریف میدان به وسیله جداره‌های پیرامونی	- مرمت و حفاظت مجموعه میدان به صورت ساختار تاریخی آن	- حضور به عنوان مهم‌ترین عرصه و فضای چندعملکردی شهر - محل برگزاری فعالیت‌ها و مراسم مختلف شهر - ارتباط قوی با دیگر مراکز تاریخی شهر - نمادی از هویت و قدمت تاریخی شهر - قطب جذب گردشگر در شهر - عنصری فعال و پویا در جریان زندگی شهر

بهادرخان، در دست احداث بوده است (هیلن برند، ۱۳۹۱، ۱۹۵). ارک علیشاه احتمالاً بخشی از صحن مسجد علیشاه بوده و برخی عملکرد آن را آرامگاه و بقعه دانسته‌اند^۷. به مرور زمان و با بروز حوادثی نظیر زلزله، جنگ و تحولات داخلی، ساختمان ارک ناتمام مانده و دچار فرسودگی می‌گردد، به نحوی که تا دوره قاجار، اطلاعات دقیقی درباره کارکرد آن وجود ندارد (مستوفی، ۱۳۶۲، ۷۶). در دوره قاجار، با احداث برج و باروهایی در پیرامون شهر، محوطه ارک به ساخلوی (قلعه) شهر بدل گشته و از آن پس با این جایگاه در میان مردم شناخته می‌شود (فیودورکوف، ۱۳۷۲، ۱۰۲-۹۲). در این برهه، ارک عملکردی نظامی پیدا کرده و به عنوان ارگ حکومتی، از موقعیت ویژه‌ای در شهر برخوردار می‌گردد. استحکامات جدید نیز با توجه به تناسبات ارک، در ارتفاع بسیار کمتری نسبت به آن شکل گرفتند، از این رو ارک همچنان به عنوان بنای شاخص این حوزه و شهر مطرح بود و از مهم‌ترین عناصر زنجیره ساختاری شهر تبریز به شمار می‌رفت. در دوران پهلوی (۱۳۱۰ ه. ش.)، با توجه به سیاست‌های مرمتی آن برهه^۸ و پس از ثبت ارک علیشاه با عنوان مسجد جامع علیشاه در فهرست آثار ملی، حصار و باروی قاجاری آن تخریب و حذف شد. در ادامه بین سال‌های ۵۷-۱۳۵۳ ه. ش. نیز سازه‌های قاجاری پیداشده از کاوش‌های باستان‌شناسی^۹ پیرامون ارک تخریب و با گشایش مجموعه پیرامونی در قالب بنای یادبود سرباز گم‌نام، ساختاری نوین می‌یابد (سرافراز، ۱۳۷۸). در این دوران، ارک به صورت تک بنایی در این حوزه مطرح می‌شود که کارکرد خاصی ندارد و همین‌طور با توجه به شروع خیابان‌کشی‌ها و ایجاد مسیرهای جدید شهری، محوطه ارک محدود شده و عرصه‌بندی تاریخی پیرامون آن دگرگون می‌گردد؛ با این حال با حفظ عرصه ارک و رعایت حریم ارتفاعی آن، ارک هم‌چنان به عنوان بنای شاخص این حوزه،



تصویر ۷- بقایای مجموعه علیشاه در دوره قاجار.

ماخذ: (پورحسین خونیق، ۱۳۸۲، ۴۵ و دیولافوا، ۱۳۶۹، ۵۹)

شرایط انتقال جریان پیاده به این میدان فراهم گردد. به این ترتیب جایگاه این مجموعه در جریان زندگی روزمره مردم تثبیت شده و گردشگران نیز با گزار از مسیرهایی که هویت شهر را شکل داده‌اند، به میدان رسیده و با منزلت ارزشمند آن هرچه بیشتر آشنا می‌شوند. نکته دیگر، توجه به شکل‌گیری ساختار تاریخی میدان است که در طول چند سده شکل گرفته و مداخلات معاصر نیز، نه در تعارض با آن بلکه در احترام و تطابق با این روند تکاملی شکل گرفته‌اند.

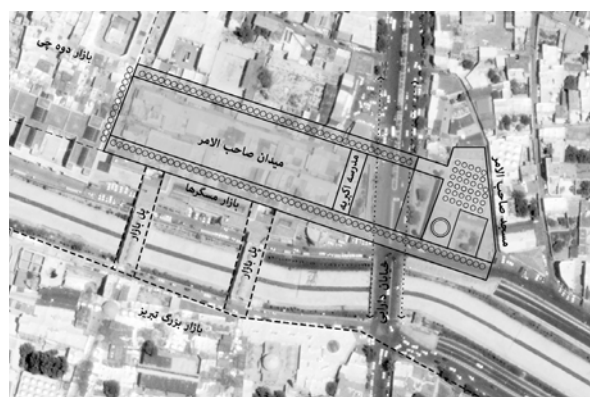
• از بررسی و قیاس انجام گرفته، جدولی تطبیقی (جدول ۱) تدوین می‌گردد تا بتوان درک روشن‌تری از تحولات حاصل شده در دو عرصه بدست آورد و به تشریح دلایل و راه‌کارهای افول و با رونق نمونه مورد پژوهش پرداخت.

۲-۱-۳- ره‌آورد مقایسه تطبیقی

از نکات حائز اهمیت در این قیاس، توجه به حفظ و تکمیل ساختار تاریخی و نحوه رسش و تعامل با عرصه‌های این فضاهای تاریخی است؛ به نحوی که تعرض در ساختار کلی میدان صاحب‌الامر، جایگاه تاریخی آن به عنوان میدانی مذهبی در جریان زندگی شهر را از میان برده است. احداث خیابان به عنوان مداخله‌ای معاصر، با بی‌توجهی کامل به جریان ارتباطی میدان با شهر و روند چند صد ساله‌ای بوده که در شکل‌گیری این میدان و جریان‌های آن موثر بوده است. بدین ترتیب نه تنها هویت مجموعه به عنوان یک میدان از میان می‌رود، بلکه با تحول شریان‌های عبوری نیز جایگاه آن در ساختار زنجیره تاریخی شهر از میان رفته و به عنصری مجرد در عرصه‌ای بیگانه مبدل می‌گردد. در نتیجه این مداخلات، عرصه‌ای که روزگاری به عنوان مهم‌ترین میدان حکومتی و فضای چندعملکردی شهر مطرح بوده و از نقاط شاخص محور فرهنگی- تاریخی و ساختار کهن شهر به شمار می‌رفت، جایگاه خود در جریان زندگی شهر را از دست داده است.

۲-۲- بررسی مجموعه علیشاه در سیر تحولات ساختاری شهر

ارک علیشاه از معدود بناهای تاریخی باقیمانده در مرکز تاریخی شهر تبریز است که در زمان سلطان محمد خدابنده و ابوسعید



تصویر ۶- بازنگاری جایگاه میدان صاحب‌الامر و عناصر پیرامونی آن در ساختار معاصر شهر.

ماخذ: (آرشیو شخصی نگارنده، ۱۳۹۳)

دیگری از پیکره و پیرامون ارک، آنچه باقی می ماند، تک دیواره‌ای مجرد است؛ از سوی دیگر در احداث مجموعه جدید حریم ارتفاعی و جانبی ارک کمتر رعایت شده و تناسبات و ابعاد بزرگ آن، ارک و عرصه‌اش را تحت تأثیر قرار داده و با تنزل خوانایی‌اش، ارک در عرصه خود به عنصری منفرد و نامأنوس بدل گشته که ساختار و هویت آن چه که باقی مانده، با آن چه که بوده تحول اساسی یافته است.

۲-۱- انتخاب نمونه مورد قیاس

بر اساس آنچه بیان گردید، مجموعه ارک علیشاه می توانست در قالب میدان حکومتی- مذهبی دیده شود که به عنوان یکی از نقاط مهم تاریخی شهر، در قالب میدان و فضای باز شهری، جاذب جمعیت و فعالیت‌های مختلف در مرکز شهر تبریز باشد. بر این اساس در راستای قیاس تطبیقی این اثر، به لحاظ نقش پررنگی که می توانست در شهر تبریز داشته باشد، برخی از نمونه‌های شاخص بین المللی که در قالب میدان مذهبی (و تا حدودی حکومتی) نقش شاخصی در ساختار شهرشان دارند، مورد بررسی قرار گرفتند که غالب آنها عبارت است از میدان دومو در میلان^{۱۳}، میدان اصلی در کراکوف^{۱۴} و میدان ترافالگار در لندن^{۱۵}؛ که از این میان، میدان و کلیسای دومو به دلایل ذیل به عنوان نمونه تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

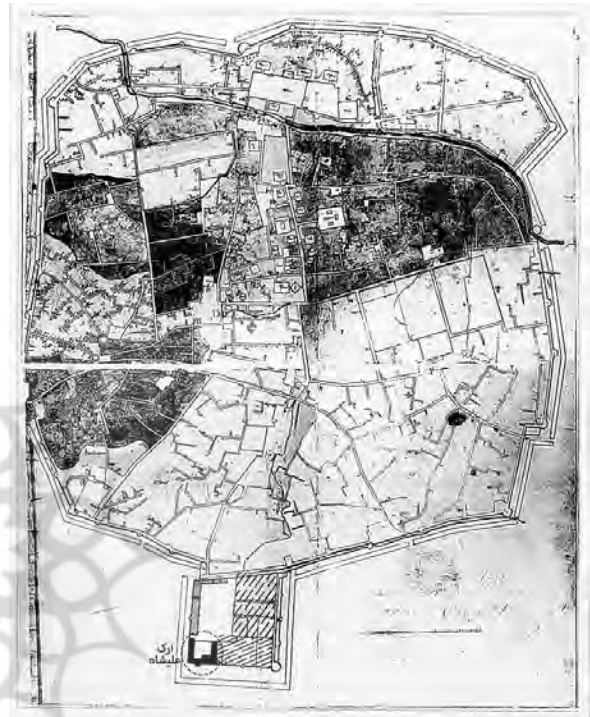
- هر دو اثر، در یک برهه تاریخی شکل گرفته‌اند (قرن هشتم هجری قمری).
- هر دو اثر، به عنوان بزرگ‌ترین و شاخص‌ترین عملکرد مذهبی شهر خود مطرح بوده‌اند.
- هر دو اثر، به عنوان تک عنصر مجرد در بستر تاریخی خود مطرح هستند.
- هر دو اثر، در طی چند قرن روند شکل‌گیری و تکامل را طی کرده‌اند.



تصویر ۱۰- کلیسای دوموی میلان.

ماخذ: (Wikipedia and Google Earth, 2014)

باقی مانده بود. آخرین و مهم‌ترین تغییرات این حوزه در سال ۱۳۶۰ ه. ش. شکل می‌گیرد. در این برهه، عرصه ارک علیشاه به عنوان محل احداث بنایی جدید تعیین شده و محوطه پیرامونی ارک و بخش شرقی دیوارهای عهد ایلخانی آن به طول ۶۵٫۶ متر، مضاف بر پلکان قاجاری متصل به جبهه شرقی آن تخریب می‌گردد. در سال ۱۳۷۶ ه. ش.، حریم شرقی ارک مورد خاک‌برداری قرار گرفته و بنای جدید به سال‌های ۹۱-۱۳۷۹ ه. ش. احداث می‌گردد (آجرلو و نعمتی بابایلو، ۱۳۹۲، ۳۴). در این برهه، با تخریب بخش‌های



تصویر ۸- نقشه تره‌زل- فابویه، موقعیت ارک و حصار پیرامونی شهر در دوره قاجار.

ماخذ: (مهریار، ۱۳۷۸، ۲۳)



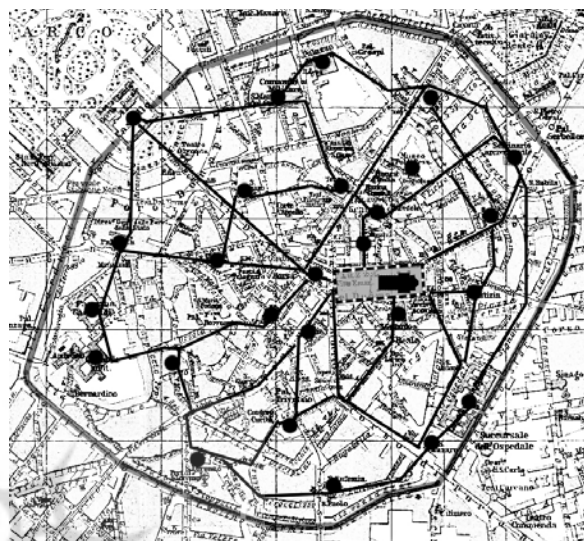
تصویر ۹- بقایای ارک علیشاه در کنار بنای جدید مصلی شهر.

ماخذ: (آرشیو شخصی و ویکی پدیا، ۱۳۹۲)

با وجود تعداد زیادی کلیسا در این منطقه، دومی و بوستران مرکز حیات مذهبی میلان بود. در سال ۱۸۵۹ م. زمانی که این کاتدرال بعد از ۵۰۰ سال در حال اتمام بود، تصمیم به ساخت میدان بزرگی در بوستران گرفته شد و بدین ترتیب ساختار میدان شروع به شکل‌گیری کرد (Moughtin, 2003). طراحی میدان و جداره‌های آن در احترام کامل به کلیسای جامع صورت پذیرفته و فضاهای باز پیاده در بوستران، با رعایت حریم‌های جانبی براساس تناسبات کلیسا شکل گرفته‌اند. این حریم‌ها و حوزه باز جلودست کلیسا، فضای مناسبی را جهت درک زیبایی و عظمت آن فراهم ساخته و محیطی را برای تعامل مردم با این عنصر تاریخی و هویتی شهر مهیا کرده‌اند. از سوی دیگر این فضا، امکان برگزاری فعالیت‌های اجتماعی نظیر جشن‌ها، مراسم ملی و جشنواره‌های مختلف را در بوستر کلیسا فراهم ساخته و بدین ترتیب عرصه این عنصر تاریخی شهر، به عضوی پویا از جریان زندگی مردم بدل شده است. معماری جداره‌های پیرامونی میدان هم در احترام به حضور کلیسا و با سبک‌های معماری نزدیک به آن شکل گرفته و هم‌چنین به منظور رعایت حریم ارتفاعی کلیسا، جداره‌های میدان در ارتفاعی پایین‌تر از آن بنا شده‌اند. بررسی نمونه فوق توجه به چند نکته را حائز اهمیت می‌نماید، نخست اینکه هیچ گونه دخل و تصرفی در ساختار مجموعه انجام نگرفته و کالبد آن حتی در طی چند قرن روند تکاملی داشته تا اینکه به صورت کامل به اتمام برسد. در وهله بعد پس از تکمیل کالبد بنا، برای تقویت جایگاه آن در ساختار شهر، عرصه این بنا در قالب میدانی سازمان داده شده تا با هدایت جریان شهر به آن از رونق

۲-۲-۲- کلیسای دومو در شهر میلان

در زمان امپراطوری روم، این ناحیه قلب شهر میلان بوده و در محل امروزی کلیسا، قصری بزرگ قرار داشت که در آتش سوزی سال ۱۰۷۵ میلادی از میان رفت و در سال ۱۳۸۶ م. ساخت کلیسای دومو آغاز گشت. از همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری، کلیسا جایگاه مهمی در ساختار شهر به دست آورد. به نحوی که در قرون وسطی،



تصویر ۱۱- جایگاه میدان دومو در زنجیره ساختار کهن شهر نقاط پررنگ، نشان‌گر عناصر تاریخی شهر کهن میلان و خطوط سیاه، نشان‌گر مسیرهای پیاده‌ارتباطی مابین آنها هستند. ماخذ: (Moughtin, 2003, 78)

جدول ۲- مقایسه تطبیقی ارک علیشاه تبریز با کلیسای دوموی میلان.

عرصه‌های مورد مقایسه	روند شکل‌گیری عرصه تاریخی	ویژگی‌های عرصه تاریخی	مداخلات معاصر در عرصه تاریخی	جایگاه عرصه تاریخی در ساختار معاصر شهر
ارک علیشاه تبریز	- شروع به ساخت مجموعه علیشاه با کارکرد مذهبی (عصر ایلخانی) - تبدیل بقایای علیشاهی به ارک حکومتی و قلعه شهر با احداث بناهای جدید در بستر شرقی و ایجاد برج و بارو (عصر قاجاریه)	- در بدو شکل‌گیری مرکز مذهبی شهر - قلعه و مرکز حکومتی شهر در دوره قاجار - شاخص‌ترین و سترگ‌ترین بنای شهر - نماد استقامت و پایداری شهر - قرارگیری در حاشیه شهر کهن	- تخریب و حذف بخش عمده‌ای از هویت قاجاری ارک، از جمله حصار و باروی آن - گشایش محوطه پیرامونی ارک و تبدیل آن به بنای یادبود - احداث خیابان پهلوی در جلودست ارک (عصر پهلوی) - تخریب کامل الحاقات قاجاری و دیواره شرقی ایلخانی ارک - تخریب و گودبرداری جبهه شرقی و ساخت مصلی بزرگ شهر در بوستران - احداث خیابان‌های جدید در پیرامون بوسترارک (دهه ۶۰ تا ۸۰)	- تجرد و جدا افتادگی از جریان زندگی شهر - تجاوز به حریم تاریخی ارک با ایجاد بناهای جدید - جدا افتادگی و قطع ارتباط ارک با ساختار شهر و دیگر عناصر آن - تبدیل شدن به عنصری بیگانه در بستر خود
کلیسای دومو میلان	- شروع احداث کلیسا (قرن چهاردهم میلادی) - اتمام ساخت کلیسا و احداث میدان در بوستر آن با سامان دهی جداره‌های پیرامونی میدان (قرن نوزدهم میلادی)	- مرکز مذهبی شهر - مهم‌ترین کلیسا و میدان تاریخی شهر - ارتباط قوی با دیگر عناصر تاریخی شهر - قرار گرفتن در مرکز زنجیره ساختاری و جریان زندگی شهر - هم‌خوانی معماری جداره‌های میدان با کلیسا - رعایت حریم جانبی و ارتفاعی کلیسا	- مرمت و حفاظت کلیسا و مجموعه میدان در قالب ساختار و هویت تاریخی شهر - ایجاد مسیرهای دسترسی پیاده به میدان و تقویت ارتباط آن با دیگر عناصر تاریخی شهر	- حضور به‌عنوان مهم‌ترین عرصه و فضای چندعملکردی شهر - محل برگزاری فعالیت‌ها و مراسم مختلف شهر - ارتباط قوی با دیگر مراکز تاریخی شهر - نمادی از هویت و قدمت تاریخی شهر - قطب جذب گردشگر در شهر - عنصری فعال و پویا در جریان زندگی شهر

پیاده‌روهای حاشیه مسیره‌های سواره، رسش و خوانایی شاخصی به این عرصه وجود ندارد. هم‌چنین با دیوار و حصارکشی‌های جدید صورت گرفته در پیرامون آن، ارک هر چه بیشتر از جریان روزمره شهر جدا افتاده و نحوه حضور در عرصه‌اش مخدوش شده، و فضایی این چنین ارزشمند که می‌توانست بطن انواع رخدادها و فعالیت‌های شهری باشد، به محیطی مجرد بدل شده است.

بدین ترتیب عنصری که در تبریز کهن به عنوان ستبرگ‌ترین و معظم‌ترین بنای شهر، در رأس روابط ساختاری آن بود، به عضوی بیگانه در مجموعه جدید بدل شده که در نتیجه آن هویت تاریخی این بخش متحول شده است.

۲-۳- بررسی مجموعه باغ شمال در سیر تحولات ساختاری شهر
باغ شمال یکی از مجموعه‌های مهم دوره آق‌قویونلوها است که در دوره صفوی و به خصوص قاجار نیز مورد توجه بوده و انتساب آن را به سلطان یعقوب، پسر حسن پادشاه (اوزون حسن) دانسته‌اند^{۱۵} (ابن کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳، ۴۷۲). این مجموعه، جزء باغ‌های حکومتی بوده که طرح آن براساس نقشه قبلی شکل گرفته و هندسه آن نیز براساس محور طولی و قرینه‌سازی در دو سوی محور میانی طرح‌ریزی شده و در میان باغچه‌های گوناگون مربع و مستطیل شکل، کوشک‌هایی بزرگ با استخری زیبا قرار داشته است (نادرمیرزا، ۱۳۷۳، ۲۷۳). باغ شمال به دلیل موقعیت قرارگیری و ساختار و بزرگی آن یکی از مهم‌ترین مکان‌های نشیمن



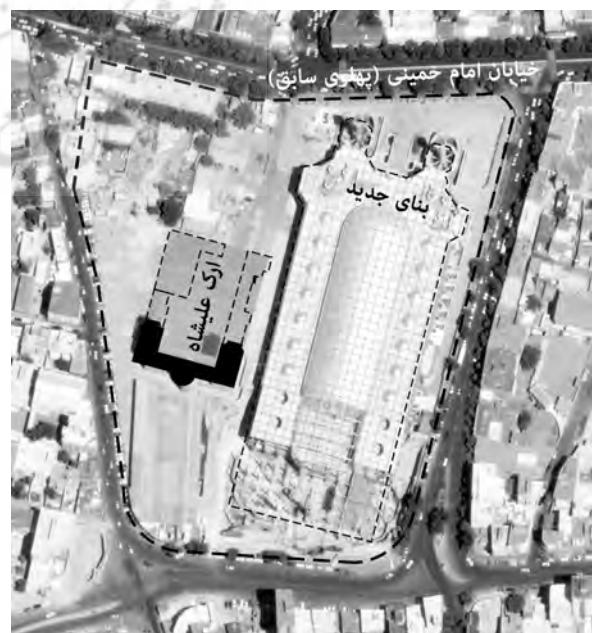
تصویر ۱۳- عمارات باغ شمال؛ بالا: عمارت اعتضادیه، پائین: کلاه‌فرنگی عمارت قدیم. ماخذ: (پورحسین خونیق، ۱۳۸۲، ۹۲)

و تاکید بیشتر و بهتری برخوردار گردد. جداره‌های میدان نه به صورت دیوار و حصار بلکه در قالب بناهایی همگام با عملکردهای مورد نیاز در عرصه میدان شکل گرفته‌اند تا با تاکید بیشتر، جاذب فعالیت‌های مختلف در عرصه میدان در زنجیره حیات شهری باشند. از سوی دیگر، سازماندهی مسیره‌های پیاده، هم در عرصه بنا و هم در کل شهر کهن به نحوی است که عناصر تاریخی در قالب زنجیره‌های بهم پیوسته‌ای از خیابان‌های پیاده به یکدیگر متصل‌اند و مردم به راحتی به این فضاها هدایت می‌شوند و جریان پیاده در وهله نخست اولویت است. هم‌چنین مسیره‌های سواره نیز در عین دسترسی به عرصه میدان، هیچ‌گونه خدشه‌ای در ساختار آن وارد نکرده و توسط حاضرین در میدان قابل درک نیستند.

• از بررسی و قیاس‌های انجام گرفته، جدولی تطبیقی (جدول ۲) تدوین می‌گردد تا بتوان درک روشن‌تری از تحولات حاصل شده در دو عرصه بدست آورد و به تشریح دلایل و راه‌کارهای افول و یا رونق نمونه مورد پژوهش پرداخت.

۲-۳- ره‌آورد مقایسه تطبیقی

در این قیاس از نکات حائز اهمیت، نحوه برخورد و رسش به عرصه این بناهای تاریخی است (که بنای کلیسا در طی چند قرن تکمیل و بنای ارک در طی چند سده تخریب شده، که این مسئله بیشتر تحت تاثیر شرایط اجتماعی و سیاسی بوده و فارغ از این بحث می‌باشد). عرصه ارک پس از تخریب و یکدست‌سازی توسط مسیره‌های سواره احاطه شده و در پیرامون آن بناهایی متفاوتی به لحاظ ارتفاعی، عملکردی و ساختاری شکل می‌گیرند که هیچ‌گونه سنخیتی با آن عرصه ندارند. در وهله بعدی، بنای جدید در کنار ارک احداث می‌شود که به سبب بزرگی به شدت آن راتحت تاثیر قرار داده و جبهه‌ای از ارک را به کلی مسدود می‌سازد؛ از سوی دیگر، به سبب عدم وجود دسترسی خیابان‌های پیاده به این عرصه و انقطاع



تصویر ۱۲- بازنگاری جایگاه ارک علیشاه در ساختار معاصر شهر خطوط خط چین پیرامونی، نشان‌گر محدوده دیوار کشی هستند.

و اتراق شاهان صفوی بود که در دوره قاجار نیز ضیافت‌های بزرگ در این باغ ترتیب می‌یافت. نایب السلطنه عباس میرزا در عرصه این باغ بناهای متعددی ساخت و در آبادانی آن نقش مهمی داشت که به این دلیل از آن با نام باغ شاهزاده نیز ذکر می‌شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۳۴۶). در زمان محمدعلی میرزا، باغ شمال به پایگاه سربازان دولتی و در سال‌های ۳۰-۱۳۲۹ ه. ق. به قرارگاه قشون روس تزاری بدل گشته و عملکردی نظامی به خود گرفت (ویلیبر، ۱۳۴۸، ۲۴۶). در اواخر دوره قاجار این باغ به تفرجگاه مردم شهر بدل شد و برای اولین بار در این برهه، به عنوان یک عرصه عمومی شهری مطرح گشت؛ اما اقدامات صورت گرفته در دوره پهلوی موجبات تخریب و حذف باغ شمال را فراهم ساخت. در حدود ۱۳۰۸ ه. ش. شهردار وقت، میرزا محمدعلی تربیت، عرصه آن را تفکیک و به معرض فروش گذاشت. این کار آغازگر زنجیره‌ای از تفکیکات و اقدامات بعدی بود که موجب تخریب و از میان رفتن باغ شمال، این عنصر ارزشمند تاریخی و هویتی شهر تبریز، شد. با این همه بخش‌هایی از باغ تا سال ۱۳۴۵ ه. ش. مشجر و عماراتی در وسط آن باقی بود (ویلیبر، ۱۳۴۸)، اما به تدریج ساختمان‌های دیگری در محل آن احداث و باغ شمال برای همیشه از میان رفت.

۲-۳-۲- باغ تیلری لوور در شهر پاریس

سایت تاریخی لوور، حوزه‌ای در مرکز شهر پاریس است که بخشی از محور و بستر شهر کهن را دربر می‌گیرد و امروزه موزه لوور و باغ تیلری در آن قرار دارند. این مجموعه از دیرباز از فعال‌ترین مراکز شهر پاریس بوده که با گذشت قرن‌ها ارتباط عناصر مختلف آن بیشتر شده و بخشی از محور تاریخی- فرهنگی شهر پاریس را شکل داده‌اند. عمارت لوور در اواخر قرن دوازدهم میلادی به عنوان قصر حکومتی ساخته شد و در دوره‌های مختلف توسعه یافت تا به شکل کنونی آن درآمد و پس از انقلاب کبیر فرانسه، در سال ۱۷۹۳ م. به موزه ملی فرانسه تبدیل شد (Edwards, 1893). در امتداد مجموعه لوور و حد فاصل آن با میدان کنکورده^{۱۵}، باغ وسیع تیلری قرار دارد. این باغ در قرن شانزدهم و به عنوان باغ حکومتی احداث گشت و محل حضور اعیان و برگزاری مراسم سلطنتی بود و مهم‌ترین باغ حکومتی شهر به شمار می‌رفت، تا در قرن هفدهم به روی عموم گشوده شد و پس از انقلاب کبیر فرانسه به عنوان پارک عمومی مورد استفاده قرار گرفت. در حال حاضر نیز این باغ یکی از فعال‌ترین عرصه‌های شهری پاریس است که هم میزبان مردم شهر و هم گردشگران از سراسر دنیا است (Racine, 2007). بررسی باغ تیلری و فضاهای پیرامونی آن، نکات حائز اهمیت را در ارتباط با اهمیت فضاهای سبز در ساختار تاریخی شهر روشن می‌سازد. با وجود این که باغ تیلری در یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین مناطق شهر پاریس قرار دارد، هیچ‌گونه تعرضی در ساختار آن صورت نگرفته و فضاهای سبز آن از میان برده نشده‌اند، حتی برای حفظ یکپارچگی ساختار باغ‌ها، تونل‌هایی از زیر بستر سایت برای عبور مسیرهای سواره احداث شده است. این نحوه برخورد نمودی از رویکرد

و اتراق شاهان صفوی بود که در دوره قاجار نیز ضیافت‌های بزرگ در این باغ ترتیب می‌یافت. نایب السلطنه عباس میرزا در عرصه این باغ بناهای متعددی ساخت و در آبادانی آن نقش مهمی داشت که به این دلیل از آن با نام باغ شاهزاده نیز ذکر می‌شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۳۴۶). در زمان محمدعلی میرزا، باغ شمال به پایگاه سربازان دولتی و در سال‌های ۳۰-۱۳۲۹ ه. ق. به قرارگاه قشون روس تزاری بدل گشته و عملکردی نظامی به خود گرفت (ویلیبر، ۱۳۴۸، ۲۴۶). در اواخر دوره قاجار این باغ به تفرجگاه مردم شهر بدل شد و برای اولین بار در این برهه، به عنوان یک عرصه عمومی شهری مطرح گشت؛ اما اقدامات صورت گرفته در دوره پهلوی موجبات تخریب و حذف باغ شمال را فراهم ساخت. در حدود ۱۳۰۸ ه. ش. شهردار وقت، میرزا محمدعلی تربیت، عرصه آن را تفکیک و به معرض فروش گذاشت. این کار آغازگر زنجیره‌ای از تفکیکات و اقدامات بعدی بود که موجب تخریب و از میان رفتن باغ شمال، این عنصر ارزشمند تاریخی و هویتی شهر تبریز، شد. با این همه بخش‌هایی از باغ تا سال ۱۳۴۵ ه. ش. مشجر و عماراتی در وسط آن باقی بود (ویلیبر، ۱۳۴۸)، اما به تدریج ساختمان‌های دیگری در محل آن احداث و باغ شمال برای همیشه از میان رفت.

۲-۳-۱- انتخاب نمونه مورد قیاس

بر اساس آنچه بیان گردید، مجموعه باغ شمال در نهایت در قالب یک باغ و فضای جمعی در ساختار شهر تبریز شکل گرفته بود که امروزه نیز می‌توانست در جریان حیات شهری نقش موثری در زندگی مردم داشته و به عنوان یکی از نقاط جاذب ساختار شهر مطرح باشد. بر این اساس در راستای قیاس تطبیقی این اثر، به لحاظ نقش پرنگی که می‌توانست در شهر تبریز داشته باشد، برخی از نمونه‌های شاخص بین‌المللی که در قالب باغ (و فضای سبز شهری) نقش شاخصی در ساختار شهر دارند، مورد بررسی قرار گرفتند که غالب آنها عبارت است از باغ تیلری در لوور پاریس^{۱۶}، هاید پارک در لندن^{۱۷}



تصویر ۱۵- باغ تیلری و جایگاه آن در مجموعه تاریخی مرکزی پاریس. ماخذ: (Google Earth, 2014)

تصویر ۱۶- باغ تیلری و موزه لوور. ماخذ: (Google Earth and Wikipedia, 2014)

از سوی دیگر باغ شمال نمادی از جایگاه و اهمیت حضور باغ و فضای سبز در شهر تبریز به شمار می‌رفت، چرا که تبریز از دیرباز به عنوان یکی از اولین باغ شهرهای ایران مطرح بوده که سیاحان و جهان‌گردان مختلف در گذار تاریخ به کژات اشاراتی به آن داشته‌اند^{۲۰} و این موضوع جایگاه و اهمیت باغ و فضای سبز را



تصویر ۱۶- بازنگاری جایگاه باغ شمال در ساختار معاصر شهر (لکه میانی، نشان‌گر محل احتمالی عمارات باغ شمال).
ماخذ: (آرشیو شخصی نگارنده، ۱۳۹۳)

حفاظت هویتی است که باعث می‌شود عناصر و عرصه‌های تاریخی شهر، در قالب ساختار و کلیت تاریخی آنها به صورت عضو فعالی از زنجیره حیات شهر حضور داشته باشند. حفاظت این مجموعه‌ها جدا از جنبه فرهنگی و هویتی آن، از لحاظ اقتصادی و درآمدزایی شهر نیز حائز اهمیت است، چرا که مجموعه لوور، به عنوان مهم‌ترین قصر حکومتی مجاور باغ تیلری، در سال ۲۰۱۲ م. بیش از دوازده میلیون بازدیدکننده داشته (Casey, 2013) که نشان از صرفه اقتصادی بالای حفاظت از ساختار و هویت تاریخی شهر داشته و از سویی نیز سبب شناخته شدن این آثار و تاریخ شهر در سطحی بین‌المللی می‌شود.

• از بررسی و قیاس‌های انجام گرفته، جدولی تطبیقی (جدول ۳) تدوین می‌گردد تا بتوان درک روشن‌تری از تحولات حاصل شده در دو عرصه بدست آورد و به تشریح دلایل و راه‌کارهای افول و یا رونق نمونه مورد پژوهش پرداخت.

۲-۳-۳- ره‌آورد مقایسه تطبیقی

بر اساس قیاس صورت گرفته، رویکردی مشابه باغ تیلری در باغ شمال نیز می‌توانست حادث شود؛ بدین نحو که به جای تفکیک و از میان بردن باغ، ساختار آن به صورت تاریخی اش حفظ و به عنوان بخشی از فضای سبز شهر به حیات خود ادامه می‌داد که هم محل تفریح و اجتماع مردم بود و هم امکان تعامل مردم با تاریخ و هویت شهر مهیا می‌شد؛ عمارات مرکزی باغ نیز، می‌توانستند در قالب موزه و یا مراکز فرهنگی به حیات خود ادامه دهند و کارکردی جدید با ساختاری کهن داشته باشند. تفکیک این مجموعه شاید در ابتدا درآمدی نسبی برای شهرداری وقت داشته ولی در صورت حفاظت از آن به عنوان بخشی از میراث هویتی شهر، امروزه با استفاده از تمهیدات گردشگری، این عرصه می‌توانست درآمدزایی و صرفه اقتصادی بسیار بیشتری داشته باشد که بدین ترتیب هم بخشی از ساختار هویتی شهر حفظ می‌شد و هم این آثار به مردم شهر، کشور و حتی جهان معرفی می‌شدند.

جدول ۳- مقایسه تطبیقی باغ شمال تبریز با باغ تیلری پاریس.

عرصه‌های مورد مقایسه	روند شکل‌گیری عرصه تاریخی	ویژگی‌های عرصه تاریخی	مداخلات معاصر در عرصه تاریخی	جایگاه عرصه تاریخی در ساختار معاصر شهر
باغ شمال تبریز	- احداث باغ حکومتی و عمارت شاهی (عصر آق‌قویونلوها) - احداث عمارات جدید در باغ - تبدیل باغ حکومتی به عرصه عمومی شهر (عصر قاجاریه)	- سکونت‌گاه و تفرج‌گاه حکومتی - محل برگزاری جشن‌ها و مراسم - وسیع‌ترین باغ تاریخی شهر - نمادی از جایگاه باغ و فضای سبز در هویت تاریخی تبریز - تفرج‌گاه عمومی شهر در اواخر عصر قاجار	- تعرض در عرصه باغ و تفکیک و فروش اراضی آن - تخریب عمارات حکومتی و باقیمانده باغ (عصر پهلوی)	- تخریب و حذف کامل باغ و عمارات تاریخی
باغ تیلری پاریس	- احداث باغ حکومتی در جلودست کاخ تیلری و لوور (قرن شانزدهم میلادی) - گشایش باغ بر روی عموم (قرن هفدهم میلادی) - تبدیل شدن به پارک عمومی شهر بعد از انقلاب کبیر فرانسه (قرن نوزدهم میلادی)	- سکونت‌گاه و تفرج‌گاه حکومتی - محل برگزاری جشن‌ها و مراسم - وسیع‌ترین باغ تاریخی شهر - رابط میان بناها و عرصه‌های تاریخی - فرهنگی شهر	- احداث مسیرهای سواره در امتداد خیابان‌های شهر در عرصه باغ - حذف خیابان‌ها از عرصه باغ و بازسازی آن به شکل تاریخی با انتقال خیابان‌ها از طریق تونل‌هایی از زیر بستر باغ	- محل برگزاری فعالیت‌ها و مراسم مختلف شهر - تفرج‌گاه عمومی شهر - قرارگیری در مرکز محور تاریخی - فرهنگی پاریس - قطب جذب گردشگر در شهر - عنصری فعال و پویا در جریان زندگی شهر

به عنوان بخشی از هویت تاریخی شهر تبریز مشخص می‌سازد. اقتصادی نیز دخیل بوده، لیکن آنچه که در اینجا حائز اهمیت بوده، هرچند در این قیاس شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی و نوع مداخله صورت گرفته و از میان رفتن باغ و عمارات آن است.

نتیجه

جدول ۴- جمع بندی مقایسه تطبیقی سه عرصه تاریخی در تبریز با سه عرصه تاریخی در جهان.

جایگاه اثر	عرصه تاریخی	قدمت تاریخی	جایگاه اثر در شهر کهن	رویکرد و نحوه مداخلات صورت گرفته	جایگاه اثر در ساختار معاصر شهر	تأثیر مداخلات بر هویت تاریخی شهر
سه اثر در تبریز	میدان صاحب‌الامر	قرن هفتم هجری قمری (سیزدهم میلادی)	• قبل از قاجار میدان اصلی حکومتی و چند عملکردی شهر، دربردارنده مجموعه عمارات حکومتی • بعد از قاجار میدان چند عملکردی شهر	• قبل از قاجار تخریب در اثر جنگ، زلزله و احداث باروی شهر • بعد از قاجار احداث خیابان در عرصه میدان و از میان رفتن فضای باز آن	حذف میدان از ساختار عملکردی و جریان زندگی شهر	زلزله جایگاه و منزلت عضو مهم از ساختار هویت تاریخی شهر و تغییر معنایی و عملکردی عرصه آن
	ارک علیشاه	قرن هشتم هجری قمری (چهاردهم میلادی)	• قبل از قاجار شاخص ترین عملکرد مذهبی شهر • بعد از قاجار ارک و ساخاوی حکومتی شهر	• در قاجار مرمت و احداث بناهای پیرامونی جدید • بعد از قاجار تخریب بخش‌های مختلف و تجاوز به حریم آن	عضوی منفرد و جدا از جریان زندگی و ساختار عملکردی شهر با آسیب‌های کالبدی بسیار	زلزله جایگاه و منزلت عضو مهم از ساختار هویت تاریخی شهر و تعرض به حریم تاریخی آن
	باغ شمال	قرن دهم هجری قمری (شانزدهم میلادی)	مهم‌ترین باغ حکومتی شهر	• تا قاجار حفاظت عرصه باغ و توسعه عمارات آن • بعد از قاجار تفکیک اراضی باغ و تخریب عمارات آن	تخریب و حذف کامل از ساختار شهر	حذف عضو مهم از ساختار هویت تاریخی شهر
سه اثر در اروپا	میدان سن مارکو ونیز	قرن پنجم هجری قمری (یازدهم میلادی)	میدان اصلی حکومتی و چند عملکردی شهر، دربردارنده مجموعه عمارات حکومتی	حفاظت عناصر و ساختار مجموعه با رویکرد حفظ هویت تاریخی آن	مهم‌ترین میدان شهر و از فعال‌ترین عرصه‌های جریان زندگی آن	ایجاد بستر لازم جهت حضور و فعالیت عرصه تاریخی به عنوان عضوی از جریان زندگی معاصر شهر
	کلیسای دومو میلان	قرن هشتم هجری قمری (چهاردهم میلادی)	مهم‌ترین بنای مذهبی شهر	تکمیل و حفاظت کلیسا و ایجاد فضای باز در عرصه آن	مهم‌ترین کلیسای شهر و از فعال‌ترین عرصه‌های جریان زندگی آن	ایجاد بستر لازم جهت حضور و فعالیت عرصه تاریخی به عنوان عضوی از جریان زندگی معاصر شهر
	باغ تیلری پاریس	قرن دهم هجری قمری (شانزدهم میلادی)	مهم‌ترین باغ حکومتی شهر	حفاظت ساختار مجموعه با رویکرد حفظ هویت تاریخی آن	مهم‌ترین باغ تاریخی مرکز شهر و از فعال‌ترین عرصه‌های جریان زندگی آن	ایجاد بستر لازم جهت حضور و فعالیت عرصه تاریخی به عنوان عضوی از جریان زندگی معاصر شهر

و تعامل هر چه بیشتر مردم شهر با هویت و میراث تاریخی آنها فراهم شده است.

با نظر به آنچه بیان گردید، می‌توان قبل از هرگونه مداخله‌ای در عرصه‌ها و فضاهای تاریخی شهر، توجه و حفاظت از جایگاه آنها در ساختار شهر کهن، به عنوان میراثی از هویت شهر، را در اولویت نخست قرار داد و با ایجاد فضای مطلوب و متناسب در عرصه این فضاها و تقویت و گسترش پیاده‌سازی زنجیره‌های ارتباطی فضاهای تاریخی، جریان زندگی شهر را در آنها جاری ساخت. از سوی دیگر قبل از هرگونه اقدامی، می‌توان با قیاس‌هایی تطبیقی با برخی نمونه‌های مشابه که از رونق درخوری برخوردارند، از راهکارهای مورد استفاده در آنها در ساماندهی این عرصه‌ها بهره جست.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مدرن و معاصر سازی شهرهای کهن در تعارض با حفظ کلیت و ساختار تاریخی آنها نیست، بلکه می‌توان سازماندهی معاصر شهرها را نیز با توجه به این هویت و پیکره کهن، سامان داد؛ چرا که هرگونه تحولی در ساختار شهرهای کهن مستقیماً بر هویت تاریخی آنها اثر گذاشته و بعضاً سبب انحطاط و از میان رفتن آنها می‌گردد؛ همان‌گونه که در برخی از نمونه‌های اروپایی با حفظ ساختار و کالبد تاریخی شهر و هدایت جریان زندگی به این عرصه‌ها، موجبات ادامه حیات و پویایی آنها به عنوان عضو فعالی از ساختار معاصر شهر فراهم شده، و در نتیجه این امر هم هویت و ساختار تاریخی شهر حفظ شده و هم موجبات آشنایی

پی‌نوشت‌ها

دانیال، تبریز.
 چپ‌من، دیوید (۱۳۸۶)، آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه منوچهر طیبی‌بیان و شهرزاد فریادی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، از شار تا شهر، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۸۵)، بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویر شاردن و مطراچی براساس متون تاریخی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، ۴۶-۳۵.

دیولافوا، مادام ژان (۱۳۶۹)، سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستانی شوش، ترجمه ایرج فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ذکاء، یحیی (۱۳۵۹)، زمین لرزه‌های تبریز، انتشارات کاویان، تهران.
 ذکاء، یحیی (۱۳۶۸)، «تبریز» در شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد سوم، جهاد دانشگاهی، تهران.
 سرافراز، علی اکبر (۱۳۷۸)، تحلیل روایات تاریخی جامع علیشاه، پیوست باستان پژوهی، شماره ۵ و ۶، آرشو میراث فرهنگی کشور.
 سفرنامه ونیزبان در ایران (۱۳۴۹)، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات خوارزمی، تهران.

فخاری تهرانی، فرهاد و همکاران (۱۳۸۵)، بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران «مادر تخصصی»، تهران.
 فیودورکف، بارون (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فیودورکف، ترجمه اسکندر ذبیحان، فکر روز، تهران.
 کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۱)، آثار باستانی آذربایجان، انجمن آثار ملی، تهران.
 مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزهت القلوب، به تصحیح گای لسترنج، دنیای کتاب، تهران.

منصوری، سید امیر و آجرلو، بهرام (۱۳۸۲)، بازشناسی ارک علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۶، ۶۸-۵۷.
 مهریار، محمد و همکاران (۱۳۷۸)، اسناد تصویری شهرهای ایران دوره قاجار، دانشگاه شهید بهشتی و میراث فرهنگی کشور، تهران.
 نادر میرزا (۱۳۷۳)، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات ستوده، تبریز.

نصوح مطراق چی (۱۳۷۹)، بیان منازل، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، میراث فرهنگی کشور، تهران.

نقش جهان - پارس (۱۳۷۴)، طرح احیای منطقه تاریخی تبریز. <http://www.njp-arch.com> (دسترسی در ۲۰/۹/۱۳۹۲)

ویلبر، دونالدو (۱۳۴۸)، باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

هیلمن برندن، رابرت (۱۳۹۱)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، چاپ سوم، انتشارات روزنه، تهران.

Casey, Matthew (2013), *Discover the World's Most Visited Museums*, CNN.

Edwards, Henry Sutherland (1893), *Old and New Paris: It's History, Its People and Its Places*, Cassel and Co., Paris.

Google Earth (2014), *San Marco & Duomo & Tuilerie*, <http://www.google.com/maps> (visited on 4/5/2014)

Moughtin, Cliff (2003), *Urban Design: Street and Square*, 3rd edition, Linacre House, Oxford.

Racine, Michel (2007), *Guide to France's Gardens*, Eugen Ulmer, Paris.

Wikipedia (2014), *San Marco & Duomo & Tuilerie & Alishah*, Cita-del. <http://www.wikipedia.com> (visited on 4/5/2014).

۱۱ احداث باغ صاحب آباد را به شیخ محمد جوینی، وزیر آباقخان و پسرانش، نسبت داده‌اند (ابن کربلایی، ۱۳۸۳، ۴۷۰).

۲ توجه حسن پادشاه به امور نظامی باعث شد تا او میدان وسیعی مقابل باغ صاحب آباد برای سان دیدن از لشکریان خود بسازد (حبیبی، ۱۳۷۸، ۸۶).
 ۳ نجف‌قلی خان بیگلربیگی از بیم آنکه مبادا دشمنانش یعنی امیران افشار ارومیه و کردها و شقاقی‌ها، بر شهر بتازند و او به سبب نداشتن برج و بارو نتواند از شهر و از خود دفاع کند، بی‌درنگ ساختن قلعه و باروی شهر را آغاز کرد. ساخت این بارو در ۱۱۹۴ ه. ق. پایان یافت (ذکاء، ۱۳۶۸، ۱۱۵).

4 Piazza San Marco, Venice.

5 Grand Place Square, Brussels.

6 Old Town Square, Prague.

7 St. Mark's Basilica.

8 Napoleon Bonaparte.

۹ نگاه کنید به: آجرلو، بهرام و نعمتی بابایلو، علی (۱۳۹۲)، حذف هویت قاجاری ارک علیشاه تبریز با مرمت به شیوه پاک‌سازی سبکی، باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۷، ۳۸-۲۷.

۱۰ آندره گدار، معماری فرانسوی به مدت بیست سال ریاست اداره کل عتیقات ایران را در دست داشت، وی در مرمت و حفاظت از آثار تاریخی تحت تأثیر آموزه‌های اوژن ویوله لودو فرانسوی و روش پاک‌سازی سبکی او بود که همین نگاه و روش وی باعث تخریب شماری از آثار عهد قاجاری شد که ارک علیشاه تبریزی یکی از نمونه‌های شاخص آن است (آجرلو و نعمتی بابایلو، ۱۳۹۲).
 ۱۱ در سال ۱۳۵۰ ه. ش. آقای علی‌اکبر سرافراز به کاوش در محوطه شمالی و تالار ارک تبریز پرداخت و در نتیجه آن پلان بنایی در محوطه شمالی ایوان ارک پدیدار گشت (سرافراز، ۱۳۷۸).

12 Duomo di Milano, Milan.

13 Main Square, Krakow.

14 Trafalgar Square, London.

۱۵ ابن کربلایی در احوال دوه عمر (متوفی ۵۸۹۲ ه. ق.) که از معاصران سلطان یعقوب بوده است، به باغ شمال با این عبارات اشاره می‌کند:

«مرقد و مزار آن قدوه در باب نظر و زبده خیر در حوالی ملک مزین باغ شمال است.»

16 Louvre Jardin des Tuileries, Paris.

17 Hyde Park, London.

18 Sanssouci Park, Berlin.

19 Place de la Concorde.

۲۰ نگاه کنید به: سفرنامه ونیزبان در ایران (۱۳۴۹)، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات خوارزمی، تهران و دیگر سفرنامه‌های ونیزبان در ارتباط با تبریز.

فهرست منابع

ابن کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح جعفر سلطان قرائی، چاپ دوم، انتشارات ستوده، تبریز.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷)، *مرات البلدان*، جلد ۲، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، دانشگاه تهران، تهران.

آجرلو، بهرام و نعمتی بابایلو، علی (۱۳۹۲)، حذف هویت قاجاری ارک علیشاه تبریز با مرمت به شیوه پاک‌سازی سبکی، باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۷، ۳۸-۲۷.

آرشو کاخ موزه گلستان.

بانی مسعود، امیر (۱۳۸۶)، بازسازی نقشه باغ شمال تبریز براساس اسناد و مدارک تاریخی دوره قاجار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، ۷۸-۶۹.

پورحسین خونیق، ابراهیم (۱۳۸۲)، *تبریز به روایت تصویر*، انتشارات